


در دفاع از کمیته ضد اختناق در ایران (کاری)

امروز رژیم دیکتاتوری نظامی - پلیسی شاه در مقابل موج عظیم مبارزه توده‌های تحت ستم قرار گرفته است. شرکت وسیع توده‌ها در مبارزات خیابانی، اعتصابات و تظاهرات، بشارت‌گشایش دوره جدیدی از پیکار توده‌های علیه استبداد را می‌دهد. رژیم شاه درمانده و مستأصل متوسل به اسلحه همیشگی خود یعنی دستگاه تولید خفقان و فشار، نیروهای پلیس و ساواک شده است، حتی به ایجاد "کمیته زیرزمین انتقام" (که عملاً چیزی جز زائد‌های بر ساواک نیست) جهت ترور افراد مخالف خود دست زده است و یا جمعی از اوپاش ساواکی را تحت عنوان "اولیای دانشجویان" یا "کارگران میهن پرست" به نبره با مخالفان فرستاده است.

در این شرایط و بیشتر از همیشه، مهمترین وظیفه مبارزین ضد رژیم در خارج از ایران مسئله دفاع از مبارزه توده‌های رنجبر و تحت ستم و  خفقان و دستگاه استبداد و افشای تزاید اختناق توسط رژیم است. امروز ادای این وظیفه از همیشه روشنتر و آشکارتر است. محور مبارزه علیه رژیم مبارزه علیه خفقان است و هیچ عذر و بهانه‌ای نمی‌تواند عدم شرکت در این مبارزه را توجیه کند.

کمیته ضد اختناق در ایران "کاری" بر پایه چنین درکی از مبارزه ایجاد شده است و هدف اصلی آن طرح مسئله اختناق، حاکم در ایران و افشای آن در افکار عمومی فرانسه، جلب همکاری شخصیتها، سازمانها، احزاب، اتحادیه‌های مترقی و مجموعه نیروهای مترقی و دمکراتیک فرانسه جهت تدارک مبارز عملی علیه شاه می‌باشد. در واقع از طریق بسیج کلیه نیروهای مترقی و عوامل لازم، می‌توان و باید رژیم شاه را وادار به عقب نشینی نمود. تنها، کسی که به قدرت مطلق این رژیم معتقد است نتیجه می‌گیرد که هرگز رژیم استبدادی عقب نشینی نخواهد کرد. نتیجه عملی این نوع اسناد لال مشابه حاصل بحث کسانی است که به بهانه لزوم سرنگونی رژیم، مبارزه علیه خفقان را نفی می‌نمایند.

شعار سرنگونی رژیم به خودی خود هیچ مسئله‌ای را حل نخواهد کرد، گرایشهایی که چنین شعاری را ارائه می‌نمایند باید بتوانند بر مبنای شعار فوق مسئله مرکزی بسیج توده‌ها علیه رژیم را حل نمایند و آنها به این کار موفق نشوند. این شعار حتی مبنای وحدت مبارزاتی خارج از کشور نیز نمی‌تواند باشد، چرا که امروز تعداد بسیاری از گروه‌ها به این شعار باور دارند لیکن بر پایه این اعتقاد به هم نزدیک نشدند و حتی از هم بطور دائم فاصله بیشتری گرفته‌اند. علت واقعی این فاصله ادراک متفاوتی است که از ماهیت رژیم شاه در نتیجه نحوه سرنگونی آن و نیز در

بدیل‌های گوناگونی است که بجای رژیم شاه ارائه می‌دهند. در واقع صحت یا سقم این بدیل‌ها صرفاً در تجربه مبارزه طبقاتی اثبات خواهد شد. البته بحث دمکراتیک میان این گرایشها بر سر این مسأله ضروری است و باید به آن در محیطی بدور از تشنج دامن زد.

به گمان ما مبارزه جهت حقوق دمکراتیک می‌تواند وسیع‌ترین نیروها را درگیر مبارزه عملی روزمره با رژیم نماید چرا که خفقان امروز سدی است در 'راه' انکشاف مبارزه طبقاتی و بسیج و سازمان یافتن توده‌ها. وحدت بر سر شعارهایی چون آزادی زندانیین سیاسی، مبارزه برای حقوق دمکراتیک و حقوق صنفی-سیاسی طبقه کارگر وحدتی در عمل میان افراد و گرایشهای گوناگون سیاسی است هر چه هم جهان‌بینی آنها متفاوت و در نتیجه معنای سرنگونی رژیم نزد آنها گوناگون باشد.

مجموعه گرایشات معتقد به ضرورت ایجاد بزرگترین نیروی رزمنده علیه استبداد می‌توانند بر سر مسائل عملی با هم فعالیت مشترک کنند. هر یک برنامه و عقاید و آرمانهای سیاسی خویش را حفظ می‌نمایند لیکن بر سر شعارهای عملی حول پیکار علیه اختناق مبارزه مشترکی را سازمان می‌دهند. "کاری" بیان تشکیلاتی چنین فعالیت عملی محسوب میشود. مجموعه فعالیت یکسال گذشته آن در فرانسه نشان می‌دهد اصول دمکراتیک سازماندهی آن بر بنیاد صحیح استوار است و علیرغم مجموعه‌های از مشکلات و مسائل توانسته به هدف اصلی خود یعنی دامن زدن به مبارزه جهت کسب حقوق دمکراتیک خدمت کند.

فعالین کاری هر گونه انتقاد سالم به فعالیت خود را با آغوش باز استقبال می‌نمایند. آنها همواره جهت ایجاد محیط سالم بحث و یافتن راههای عملی مبارزه با رژیم کوشیده‌اند. اما حمله مفرضانه به کاری که جهت نفی فعالیت آن انجام پذیرد حمله به جبهه گسترده‌ای است که از مبارزین ضد رژیم تشکیل شده و در متن این مبارزه دستاوردهای بسیاری داشته‌است.

در مقابل این مبارزه "کاری" علیه استبداد دیگران چه کرده‌اند؟ گرایشهایی که پنهان و آشکار به "کاری" حمله می‌کنند، خود بر پایه عدم درک ضرورت ایجاد کامپاین دراز مدت دفاعی مبارزه علیه رژیم را تا حد عملیات پراکنده و چپروانه تنزل داده‌اند. آنها بر پایه نفی ضرورت درگیر کردن سازمانها و اتحادیه‌های کارگری فرانسه که دارای پایه توده‌ای هستند تظاهرات آشکار و مخفی (!)

خود را در انزوای مطلق انجام میدهند. (برعکس "کاری" که تکیه خود را بر توده‌های رنجبر و کارگران فرانسه نهاد برخی از این گرایشها اتحادیه‌های کارگری فرانسه را فاشیست می‌خوانند.)

آری امروز و بدیل در مقابل یکدیگر جهت ادامه مبارزه علیه رژیم شاه وجود دارند. یکی ایجاد بزرگترین جبهه ممکن جهت افشای دستگاه زور و ستم در ایران و استفاده از کلیه امکانات جهت این مبارزه و سازمان دادن کامپاین دراز مدت دفاعی و دیگری عملیات چپروانه، هر از گاه در سکوت و انزوا "فعالیتی" نشان دادن و باز پنهان شدن.

این دو بدیل در کلیه موارد، تفاوت ماهوی خود را به نمایش می‌گذارند. از مهمترین این موارد دفاع از مبارزین زندانی است. طرفداران آلترناتیو نخست (کاری) در همه حال از زندانیان سیاسی دفاع کرده و می‌کنند. حتی آنجا که یک زندانی تحت شکنجه‌های جسمی و روانی به اصطلاح

تسلیم می‌شود و خلاف رای و تمایل خود نامه‌ای امضا می‌کند، لبه تیز حمله ما به جانب شکنجه گران است نه شکنجه شوندگان. در حالیکه مدافعین آترناتیو دوم به زندانی شکنجه شده حمله می‌کنند. مثال مشخص یزنیم، در تابستان ۱۳۵۴ نشریه مسائل انقلاب و سوسیالیزم (مانیفست) شماره ویژه ایران) در سر سخن خود به دکتر غلامحسین ساعدی نویسنده بزرگ و سرشناس ایران حمله کرد. گردانندگان نشریه شنیده بودند که ساعدی "توه نامه" امضا کرده، بر پایه این "شنیدن" به ساعدی فحاشی کردند و نوشتند "ساعدی خود را به حظیظ خواری و در پیوزگی گشاده" گفتند "ساعدی تسلیم طالب و غوار و مطرود است". در همین سر سخن به کمیته برای آزادی اندیشه و هنر در ایران (کیفی) حمله شده که چرا از ساعدی دفاع کرده و می‌کند. چندی بعد کشف شد که مسئله توه نامه نوشتن ساعدی حقیقت ندارد و محصول تبلیغ رژیم است و ساعدی همچنان به مقاومت و مبارزه خود علیه رژیم ادامه می‌دهد. این اتفاق ساده بسادگی دوطرفه تفکر و دو عمل ماهیتا متفاوت را نشان می‌دهد. در یکسو کلیه مبارزین ضد استبداد ایستاده‌اند که دفاع از نویسنده در بند و زنجیر را وظیفه خود می‌دانند و در جانب دیگر کسانی که در حرف می‌گفتند به طور مشروط از زندانیان دفاع می‌کنیم و در عمل نه فقط دفاعی در کار نبود بلکه به زندانیان فحاشی هم می‌کردند. این گروه دوم صرفاً فریب تبلیغات رژیم را در مورد "توه نامه ساعدی" نخوردند آنها فریب درک غلط خود را از مبارزه دمکراتیک خوردند و غمانگیز است که هنوز هم از این اتفاق و جریانهای مشابه آن درس نگرفته‌اند و در فهم آن هیچ تغییری داده نشده‌است. عدم دفاع آنان از حق کانون نویسندگان مثال دیگری است. متأسفانه از این مثالها بسیار است.

عدم دفاع از مبارزین، عدم مبارزه ضد حقیقان یعنی بی عملی ناب و باید این بی عملی را بشکلی توجیه کرده، ناگزیر در قدم اول باید کسانی که مبارزه علیه استبداد را به پیش می‌برند "افشا" نمود. ریشه حملات اخیر به "کاری" در بی عملی حمله‌کنندگان است. کاری مبارزه خود را به پیش می‌برد، بگذارد و نمونه از فعالیت‌های آن را در مقابل حمله‌کنندگان بگذارد. اول در فرانسه و در مدرسه مخصوص معماری پاریس که زمانی فرح پهلوی دانشجوی آن بوده است. "کاری" مطلع شد که روسای مدرسه از این "بالشجوی سابق" جهت بازید رسمی دعوت بعمل آورد‌اند. به یاری افراد و نیروهای مرفقی که در مدرسه فعالیت داشته‌اند، کاری مانع از برگزاری این مراسم شد و راه را بر مسائل ارتباط جمعی فرانسه سد نمود که به هدف بزرگ کردن چهره منحوس رژیم می‌خواستند. خبر این بازید رسمی را با آب و تاب بخش‌کنند. "کاری" جهت انجام این فعالیت حاضر بود با کلیه نیروهای اپوزیسیون ایران در پاریس همکاری نماید. آیا این عمل راستروی است؟ بهتر است آن گروه‌هایی که کاری را متهم به راست روی می‌کنند و خود در برگزاری این آکسیون با آن همکاری نکردند روشن نمایند که معنای راست روی از نظر آنها چیست؟ مثال دیگر در مورد یک فعالیت مشخص "کاری" در انگلستان است. قرار بود دانشگاه آکسفورد کتابخانه‌ای را بعنوان اشرف پهلوی نام گذاری نماید. اشرف بخاطر این مساله چند میلیون تومان به وادعاهام کالج این دانشگاه پول پرداخته بود. دانشجویان و نیروهای مرفقی که در دانشگاه فعالیت دارند در

آکسیونهای متعددی که "کاری" سازمان داده شرکت نمود هاند . خواسته آنها قطع هر گونه رابطه میان دانشگاه آکسفورد با اشرف و رژیم است . آنها خواستار تغییر نام کتابخانه به صمد بهرنگی نویسنده انقلابی آذربایجان هستند . این مبارزه همچنین ادامه دارد . در تظاهرات آکسفورد سازمان احیا نیز مجبور به شرکت شد . این سازمانی ^{همان} است که یکی از شرایط همکاری خود را با "کمیته از زندان تا تبعید" عدم حضور کاری قرار داده است .

سازمان احیا در حالی این شرایط را قائل شده که خود با کاری اعلامیه مشترکی امضا نموده . این اعلامیه به مناسبت برگزاری مسابقات فوتبال میان ایران و فرانسه ، در اعتراض به اختناق حاکم در ایران نوشته و امضا شده است . "کاری" همواره اعلام داشته که جهت افشای دستگاه ترور و استبداد در ایران آماده به همکاری با هر نیروی ایزدیسویز ایران است . اما سازمان احیا ^{چطور} این مساله را توضیح می دهد که از یکسو با "کاری" اعلامیه مشترک امضا می کند و از سوی دیگر شرط همکاری خود با دیگران را اخراج کاری قرار می دهد . این سوالی است که برای بسیاری از اعضای این سازمان مطرح شده است .

درس گیری از یک ششگسکت

تشکیل کمیته از زندان تا تبعید توسط سعید سلطانپور ، حمزه فراحتی ، محمد منیرزاد ، مهرداد پاکزاد ، می توانست به گسترش مبارزه ضد غفقان و استبداد ، یاری بسیار برساند . چرا که این چهار نفر همگی از زندانیان سیاسی محسوب می شدند که اینک می خواستند خارج از ایران به مبارزه خویش از طریق ایجاد این کمیته ادامه دهند . وجود این زندانیان سابق امکان افشای هر چه بیشتر اختناق حاکم در ایران را نزد افکار عمومی بین المللی ایجاد می کرد و اعتبار آنها در میان گرایشهای مختلف ایزدیسویز امکان گرد هم آبی و مبارزه عملی مشترک را بیشتر می خواست . متأسفانه آنچه در پاریس رخ داد چنین نتیجه مطلوبی نداد . میتینگی به زبان فارسی به ابتکار این کمیته در تاریخ ۲۷ مه برگزار گردید و بجای اینکه صرف استبداد حاکم در ایران و راهیابی مبارزه مشترک اصولی علیه رژیم ترور و اختناق گردد وقف تبلیغ مشی سیاسی یک سازمان معین سیاسی ایزدیسویز شد .

واضح است که سلطانپور و دیگران می توانند نظر سیاسی خود را بهر شکل که مایلند تبلیغ نمایند اما آنجا که فراخوان میتینگ افشای رژیم ترور و غفقان را وعده می داد و شرح زندانها و مصائب همراه آنها شرح مبارزه توده ها ، تبلیغ واضح سبلسی یک گروه سیاسی عملی است . خلاصه در دعوت به همکاری که از کلیه سازمانهای مترقی شده بود مسئله اصلی را افشای رژیم معرفی نموده بودند و درخواست پاسخ دمکراتیک داشتند . به امید افشای رژیم و راهیابی مبارزه اصولی علیه آن بود که بیش از پانصد ایرانی در جلسه شرکت نمودند . اینان نه جهت شنیدن مواضع سیاسی یک گروه خاص آنجا آمده بودند و نه بخاطر شنیدن بحث بیحاصل میان نیروهای ایزدیسویز در محیطی پر از تشنج و داد و فریاد . بحثی که گردانندگان کمیته از زندان تا تبعید مسئول ایجاد آن بودند جهت پیشبرد مبارزه اساسی کوچکترین کار آبی نداشت .

• محیط تشنج آنجا بوجود آمد که سلا اندر بر پایه موانع گروه سیاسی مورد قبول نیرویش به بسیاری از نیروهای اوزیسیون تانت و بد آنها ناسزا گفت. در این میان کمیته "گیتسه"های "کیفی" و "کاری" نیز از ناسزا بی نصیب نماند. اما اتفاقی که دو روز بعد در میتینگ به زبان فرانسه برگزار شد مبدع رخ داد به مراتب اسفانگیزتر و دلخراشتر بود. در این میتینگ و مصاحبه مباحثاتی برخلاف معمول تعداد شرکت کنندگان به مراتب از میتینگ فارسی کمتر بود. اینجا نیز کمیته بجای افشای رژیم و رند آنها و شکنجه‌گاهها، به بیان و تبلیغ موانع سیاسی گروه مورد نظر خویش پرداخت دقیقاً بحثی در گرفت که جلسه را بحرانی کرد و باعث شد چند خبرنگار معدود فرانسوی جلسه را ترک نمایند و هیچ يك از دو میتینگ در مباحثات فرانسه انعکاسی نداشتند. با توجه به این حقیقت که رشد مبارزه دمکراتیک در ایران، محافل مرفقی فرانسه و افکار عمومی را نسبت به اخبار ایران سخت علاقمند ساخته فرصت خوبی بدست آمده بود تا رژیم افشا گردد و مبارزه توده‌های رنجبر تبلیغ شود. متأسفانه این فرصت مغفتم از تک رفت و مسئول اصلی آن کمیته از زندان تا تبعید است.

مهمترین دلیل اشتباه این کمیته این است که به دام اختلاف گروه‌های سیاسی خارج از کشور با هم افتاد. وظیفه اساسی خود یعنی مبارزه با استبداد و خفقان را کنار گذاشت و در مرکز بحث‌های بیحاصل "سیاسی" قرار گرفت. همین مسئله در روش استثنائاً قائل شدن جهت همکاری با دیگران خود را نشان داد. در قدم نخست صرفاً يك گرایش را حذف کرد و بجهت انحراف سیر منطقی خود را طی کرد، کارنه حذف و موضع‌گیری علیه گرایشهای دیگر شنید و دست آخر کمیته خود منزوی و تنها ماند و اکثر گرایشها علیه او موضع گرفتند.

به گمان ما در گرایش که اعلام می‌کند حاضر به شرکت در عمل مشخص مبارزاتی است می‌تواند و باید وارد مبارزه گردد. با تداوم عمل و مبارزه، گرایشهای "مرد"، "سرسرده"، "نائن"، "روزیونیست" و... بیکار را ادامه نخواهند داد. برای انقلابیون این بهترین آریق افشای چنان گرایشهایی به حساب می‌آیند. مبارزه علیه امتنان از مبارزه علیه مدافعین رژیم شاه جدا نیست. برخی از این مدافعین خود را سوسیالیست می‌خوانند، اما به رژیم شاه اسلحه می‌فروشند، سیاست او را در خلیج مستقل و ملی نام می‌نهند، او را ضد امپریالیست خطاب می‌کنند و به او و فرج داترای افتخاری می‌دهند و...

در ادامه مبارزه، جائیکه مسئله موضع‌گیری علیه این مدافعین پیش می‌آید، برخی از گرایشهای اوزیسیون مبارزه را ادامه نخواهند داد، مبارزین واقعی تا حد و مرزی که این گرایشها همراهشان حاضر به مبارزه‌اند با آنها در فعالیت عملی شرکت می‌نمایند، آنجا که این گرایشها میایستند مبارزین به نبرد ادامه می‌دهند و بی‌امان به افشای متزلزلین و سرسرده‌ها می‌پردازند.

از این رو "کاری" اعلام کرده که حاضر به فعالیت مشترک در امور مبارزه علیه خفقان در ایران با هر نیرویی که آمادگی از خود نشان بدهد هست. پیش‌شرط کاری جهت مبارزه مشترک این نیست که نشان بدهد... متزلزل نیستید و قاطعیت دارید و... هر جا که نیرویی از میدان مبارزه به هر دلیل گریخت بهترین موقعیت در افشای او بدست آمده است.

سازمانهایی چون احیاء جهت همکاری با کمیته از زندان تا تبعید پیش شرط عدم شرکت "کاری" را قائل شده اند. ما کلیه دلایل آنها را بر ارائه این پیش شرط مطرود می دانیم. ما معتقدیم که خود آنها رفتای نیمه راه هستند به دلیل عدم موضع قاطع علیه سیاست نزدیکی چین با رژیم شاه نشان داده اند که در مبارزه علیه رژیم شاه تا به آخر همراه ما خواهند بود، اما این همه دلیل نمی شود که ما جهت همکاری با کمیته از زندان تا تبعید پیش شرط عدم شرکت آنها را قائل شویم.

شکست دومیتنگ کمیته از زندان تا تبعید مورد تاسف شدید ماست. اما از هر شکست میتوان و باید درس گرفت. از سلسله ای از اشتباهات کمیته و دلیل عمده آن بحث کردیم. این بحث در خدمت گسترش جنبه کارزار ضد اختناق ارائه شده است. دقیقاً شکست فعالیت کمیته از زندان تا تبعید به دست مخالفین گسترش این جنبه مبارزاتی بهانه داده است تا به تبلیغ مواضع سازشکارانه خود بپردازند. ببینید ادیسی این زائده حزب توده چه نتیجه ای از شکست فعالیت این کمیته گرفته است. نشریه ادیسی پاریس (۱۰ ژوئن ۷۸) به روش سلطانیور و دیگر اعضا کمیته انتقاد میکند و خملاتی را که به حزب توده شده، "پاسخ" داده و توضیح میدهد که چرا علی رغم شناخت از سلطانیور و دیگران به عنوان کمانیکه در رگهایشان خون ضد دیکتاتوری جریان دارد "به نوبه خود در برگزاری میتینگ آنها مطلقاً یاری نکرده است. جالب اینجاست که حتی قبول دارد در مواردی این میتینگ "افشاگرانه و کونده" هم بوده است. در نشریه چنین آمده "موضع ما در مورد کمیته از زندان تا تبعید طبعاً نمیتوانست قبل از آگاهی به موضعگیری این کمیته اعلام گردد".

سخنرانی است. ادیسی صرفاً پس از آگاهی به "موضعگیری" کمیته ای که خود اعلام کرده ضد دیکتاتوری است، درباره آن موضع میگیرد. یعنی او قبل از آگاهی به اینکه یک کمیته ضد دیکتاتوری چه موضعی راجع به خود او یا حزب توده دارد فعالیتی جهت پیشبرد مبارزات این کمیته نخواهد کرد.

اگر این کمیته در جریان برگزاری فعالیت عملی خود اشتباه کرده ادیسی با خوشحالی از صحت عمل خود داد سخن میدهد، اما اگر فعالیت کمیته موفقیت آمیز بود و میتینگ ها و جلسات افشاء گرانه ای در مورد اختناق حاکم بر ایران را سازمان داد، آنگاه ادیسی چگونه عدم فعالیت و سکوت خود را توجیه خواهد نمود؟

آری شکست میتینگ کمیته از زندان تا تبعید به ادیسی فرصت داد تا به تبلیغ منطق و عمل فرصت طلبانه خویش بپردازد که از هیچ فعالیت ضد اختناق "طبعاً" پشتیبانی نمی کند. چرا که همین یکی دو هفته پیش شاه و فرح در بلغارستان "مفتخر" به دریافت دکترای فلسفه از رهبران حزب برادر ادیسی و حزب توده شده اند.

چرا حزب توده و ادیسی به تحقیق مواضع "آن بخش از هیئت حاکمه و سرمایه داران وطن پرست" که آنها را در جنبه ضد دیکتاتوری خود کنار رنجبران ایران قرار داده اند، نمی پردازد و

پیش از هر تحقیقی تسلیم مواضع آنها شده اند ، اما در برگزاری موفقیت آمیز يك فعاليت ضد اختناق شرکت نمیکنند و صرفاً زمانیکه بدلیل خطای این مبارزین فعاليت به شکست میانجامد به تبلیغ مهملاط خویش میپردازد . همیشه فرصت طلبان چنین میکنند . پس از شکست يك فعاليت مبارزاتی تحت لوای مبارزه خواهی به تبلیغ مواضع تسلیم طلبانه خویش پرداخته اند . شکست میتینگ از زندان تا تبعید تجربه تازه ای بود بر اثبات این نکته که همواره حزب توده از ناکافی و بی برنامگی مبارزین سود برده است و مهمتر از همه درسی بود بر ضرورت ایجاد جبهه واحد عملی و مبارزاتی علیه اختناق حاکم بر ایران .

بهر حال ما چون هر مبارز آگاه دفاع خود را از کمیته زندان تا تبعید موکول به تحلیل و شناخت مواضع این کمیته نکردیم . در مهلت کوتاهی که داشتیم وظیفه خود دانستیم که در برگزاری میتینگ ضد رژیم این کمیته با دیگر نیروهای آماده به فعاليت همکاری نمائیم . چون برخی از آنها ، این همکاری را بحضور یاغیت این یا آن گرایش ، موکول نکردیم و به سهم و توان خویش جهت برگزاری يك جلسه ضد رژیمی گوشیدیم .

میتینگ کمیته از زندان تا تبعید برخلاف بیان صریح فراخوان آن جلسه ای در دفاع از مبارزات مردم و افشای رژیم تروریست شاه نبود . خطاهای متعدد این کمیته اجتماع عظیمی از ایرانیانی را که میتوانست بهترین بیان مبارزه علیه اختناق ایران و راهیابی پیشبرد این مبارزه باشد را به شکست کشاند . اما این همه نباید این نتیجه فرصت طلبانه را ایجاد نماید که جهت گسترش دادن به فعاليت مبارزین دیگر ، در آینده باید منتظر " اعلام موضع آنها یا پیروزی و شکست فعاليت آنها شد .

بر پایه مخالفت کامل با چنان نتیجه ای و جهت پیشبرد مبارزه ضد رژیمی ، ما در تاریخ بیستم مه در جلسه ای عام با دیگر نیروها و افراد شرکت کردیم ، هدف این جلسه تقسیم کار جهت پیشبرد و گسترش میتینگ کمیته از زندان تا تبعید بود . این جلسه دمکراتیک و تقسیم کاری که سازمان داد و فعالیتی که هفته بعد از آن انجام شد ، نمونه یکی از بهترین فعاليت های گروهی و مشترک در پاریس محسوب میشود .

انجمن دانشجویان ایرانی در پاریس نیز در این جلسه عام شرکت داشت . این انجمن در مورد همکاری با دیگر نیروها و گرایش ها دارای موضع اصولی بود و همراه ما و دیگران با فردی تفرقه انداز که در جلسه شرکت داشت مبارزه کرده بود . متأسفانه در تراکی که پس از شکست فعاليت های کمیته از زندان تا تبعید نشر داده ، علیرغم اینکه مدعی است " دارای دید گروه گرایانه نیست " سعی نموده تا جلسه عام شبیه را بخود نسبت دهد . آیا این عمل با آن موضع اصولی در تضاد نیست ؟ در حاشیه این بحث به يك " حمله " که به " کاری " شده است اشاره کنیم : " اعلام موضع " که نسخ معدود (؟) توسط فردی بنام خ . ش نوشته و پخش شده است . او پس از نگارش این " اعلام موضع " تنها يك حرف برای گفتن دارد . آن هم سخن دن کیشوت در بستر مرگ است . " تمیذ انم

اقبال بدی داشتیم یا عقل کمی، بهر حال زندگی به من ناروزد * .

برای آزادی تمام زندانیان سیاسی متحداً مبارزه کنیم .
پیش بسوی ایجاد وسیع ترین جبهه واحد مبارزاتی علیه رژیم ترور و اختناق در ایران .

عده‌ای از ارفرداران کمیته ضد اختناق در ایران (نگاری)

ژوئن ۱۹۷۸

